

آلین محمد از هر گونه

الایش پیراسته است

* - ماکس مولر انگلیسی (۱۷۹۰ - ۱۸۶۵) مورخ و داستان سرا که در سرزمینهای عربی گردش وسیعی نموده و دارای مؤلفاتی است که از جمله «محمد و محمدیت» میباشد، در صفحه ۲۷ کتاب مزبور مینویسد : بهین زودی مسیحیان با تعجب عظیمی خواهند دانست که محمد یکی از پشتیبانان عیسی بوده است ، و دیانت محمد برای تکمیل و اصلاح دین عیسی آمده است . در آن موقع مسیحیان و مسلمانان سخت ناراحت میشوند که چرا بواسطه دینی که محمد آوردند اینقدر برضد هم مبارزه کرده اند ! بزودی مسیحیان در جهان خواهند دانست که دین محمد از هر گونه الایش پیراسته است ، و آنچه باعث سعادت نزع بشر است ، در آن وجود دارد .

* محمد پیامبر و رسالت او *

* - دکتر نظمی لوقا مصری ، معاصر در کتاب «محمد پیامبر و رسالت او» که با مقدمه کمال الدین حسینی وزیر فرهنگ وقت مصر سال ۱۹۵۹ میلادی در آن کشور تطبیع رسیده است ، در صفحه ۲۵ چاپ نخست مینویسد : موقعیت طبقات مردم نسبت به وحی یکسان است . حال رسالت بهر کس واگذار شده ، و پیامبری که از آن خیر میسدهر که باشد . هیچکس از پیامبری قبل از محمد ، برهان عینی بر اینکه وحی را از چه کسی میگیرد ، طلب نکرد ، تا از محمد هم مطالبه شود !

بنابراین هر کس اعتراف کند که از آسمان به پیامبری از جنس بشر وحی میشده است ، ملزم است که از لحاظ مبدأ وحی منکر نزول وحی بر محمد هم نشود . از این روعلتی ندارد که ما پیامبری محمد را انکار کنیم . از این روست که باید با دیده پاک به رسالت آسمانی محمد نگریست ، و مضمون آنرا مورد بحث و بررسی قرارداد . و موردی هم برای شك و تردید باقی

نمیانند. این مقیاسی است که هر منصفی اعتراف دارد، و هر کس اذشابه غرض پیرامون باشد، آنرا میپذیرد.

* * *

و در صفحه ۸۸ مینویسد: «پیامبر اسلام راست گفت آنجا که میگوید: «هرگاه یکنوازی شما عمل زشتی را دید باید آنرا با دست خویش استوار سازد» اگر با دست نتوانست بازبانش، و اگر بازبان هم نتوانست با قلبش باید آنرا بر طرف سازد، و اکتفاء به این، سست ترین مرحله ایمان است»

آری، ای پیامبر خوبی و راستی و حق! مادام که نشانه‌های از حق و حقیقت در دل مردم باشد، هم خود آنها و هم حکومت آنان در آسایش بسر میرند.

* * *

او میخواست مردم بدانند که پیامبر آنها از نظر حق گوئی و صداقت مانند خود آنهاست، چنانکه در سوره کهف آمده است. بیش از آنها دارای عادات خارق‌العاده نیست، و قدرتی هم برایشان ندارد، دعوت خویش اظهار میکند و آنها را در پذیرش آن آزاد میگذارد (۱)

* * *

و در صفحه ۹۷ مینویسد: «نظامات اسلامی: نظام پیچیده و بی روح نیست. بلکه نظامی اساسی است که مغز آنرا گفتار خود پیامبر تشکیل میدهد که فرموده: «هرگونه ضرروزیان در اسلام ممنوع است» و فرمود: «شما خود به امور دنیای خود آشناتر هستید، پس چیزی که به جهانیان تصریح به حرمت آن نشده است، مادام که زبانی به‌عامل آن رسانند، و برای دیگری هم زبان بختش نباشد، اشکالی ندارد. این خوی پسندیده نمونه کاملی برای زندگی انسان است»

* * *

و در صفحه ۱۰۷ مینویسد: «هنگامیکه ما به رسالت اسلامی نظر می‌کنیم، مبینیم که فرستگها از خواهشهای نفسانی و منافع شخصی فاصله دارد.

عرب در زمان جاهلیت همه چیز را برای خود مباح میدانست، و در استفاده از آن وادع و مانعی نمیدید. بهمین جهت در منجلا ب فسق و فجور و کینه و عداوت فرو رفته بودند. در آمدشان پلید و شهباشان با شراب‌خواری و قمار بازی سپری میکردند. اسلام بود که تمام این مفاسد را ریشه کن ساخت و برای هر یک از این خوشگذرانیهای خناسان برانداز بشری قانون

۱ - اشاره به آیه قل اما انا بشر مثلکم بوحی الی ...

وضع کرد. اگر اسلام دین آسمانی و نظامات عالی زندگی و بزرگواری نباشد، پس کدام دین است که بشر را به این اهداف عالی دعوت نماید؟

* جامعه اسلامی *

* - ژول لایوم دانشمند فرانسوی (۱۷۹۱ - ۱۸۶۸) در صفحه ۶۳ مقدمه فهرستی که برای قرآن مجید تنظیم کرده به عربی هم ترجمه شده است، مینویسد: «برای اینکه انسان آنطور که می‌باید برده کدام يك از دعوت‌ها نیاز دارد نخست باید توجه کاملی به وضع دعوت کننده آن بشود.

تا آنجا که میگوید: این مختصری بود که - بعنوان امتیازات ویژه به محمد پیامبر اسلام - اختصاص دادیم. محمد مؤسس سازمانی بود که آنرا «جامعه اسلامی» میدانیم. هر چه زمان ظهور یافت، جهان برای پذیرش رهبری محمد وسعت می‌یافت! من ظهور محمد را چنان می‌بینم که جهان از نو پدید آمده، و چشم خود را به روی مبادی عالی درخشانی گشوده است!

* خوش رفتاری نسبت به مسیحیان *

* - میسون کشیش انگلیسی در کتاب «سیاحت دینی در مشرق زمین صفحه ۳۱ مینویسد: «این موجب خوشوقتی است که مسیحیان از مسلمانان تسامح و برخورد نیکو ببینند، چه این دو صفت، مقدس‌ترین قواعد رحمت و احسان، در نزد ملت‌های مختلف است.

* نمونه‌ای عالی پایدردی *

* کلمان هوارد ناوردشناس فرانسوی (۱۸۵۲ - ۱۹۲۷) وی مدتی در دمشق مترجم کسول فرانسه بود و سپس در «آستانه» پایتخت عثمانی در ترکیه به این سمت اشتغال داشت. و نیز رئیس مجمع نوشته‌ها و ادبیات و استادالسنه شرقی در دانشگاه پاریس بود. مؤلف کتابی است بنام «تاریخ عرب» در جلد اول آن مینویسد: «چگونه محمد با خدیجه آشنا شد؟ و چگونه به وی اعتماد جست و با او ازدواج کرد؟ پاسخ قسمت اول تاکنون در نزد ما نامعلوم مانده است، ولی راجع به شق دوم باید گفت: روایات تاریخی اتفاق دارند که محمد در مرحله‌ی الوانی از شرافت نفس قرارداد داشت، و به لقب «امین» شهرت یافت. یعنی مردی که به حد نهائی اعتماد و وثوق رسیده بود. زیرا نمونه‌ای عالی پایدردی و استقامت بود.